

A Comparative Study of Handmade Pottery in the Villages of Burjak and Jirdeh

Zohreah Taati *

Master of Handicrafts, Tehran University of Art, Tehran, Iran.

Abstract

The art of making pottery has had a glorious and honorable life in the history of Iran from the distant past and before history until today and is a sign of social life and human civilization. Each land and nation, according to its customs and tastes, has used special signs, shapes, decorations, and motifs to make the pottery look beautiful. Making Pottery is an art with a very old age, which is one of the most important art manifestations for historians. Pottery is one of the most important, oldest and most abundant creations of human hands, so it can be said that pottery is one of the most perfect arts. The traditional and native pottery and making pottery of Jirdeh Shaft, Gilan, and Burjak, Khomein have been connected and linked with its people's life from far past. Since the main pottery makers in both villages are women potters whose hands are the most important tools of their work, this article tries to study the commonalities, differences and important characteristics of the pottery of this land with a comparative study of Burjek and Jirdeh pottery. The purpose of this research is to know and understand the place of handmade potteries produced in the two mentioned villages in the context of comparative studies. It has also been considered to investigate the identity characteristics and relationship of pottery in these two villages. So, an attempt was made to answer the following questions:

1. What is the relationship between the handmade potteries of the two villages of "Jirde Shaft" and "Berjak Khomein?"
2. What are the characteristics of handmade potteries in the two villages of "Jirdeh Shaft" and "Berjak Khomein?"

The present research, using the descriptive-analytical method

with a comparative approach, compares the production of pottery in the two villages of Jirdeh and Borjak. In collecting information, library, field and remote correspondence methods with veteran potters have been used. Finally, these results were obtained that among the pottery works of Jirdeh, the dishes called "Gamaj and Nokhoon" are the most significant and one of the famous potteries of Burjak village is "Doogoolah", both of which are used for cooking. The pottery products of the both villages are mostly practical and artistic taste and talent are used in making them. This study, which has been done comparatively using field and library studies, shows that in the two villages, pottery products are created without the use of pottery wheel technique, very simple and sometimes with basic decorations and native motifs in circular, elongated, cylindrical and, flat forms. These traditional features indicate the cultural history of each of these villages. On the other hand, due to the blending of village life with nature and the influence of the ancient tastes of the ancestors, these people display their art in this way. And most importantly, the women potters of the two villages are creating similar art that is unique at the same time and that they have tried to preserve their traditions for countless years. The difference between the pottery of the two villages is due to the individual tastes and differences, the interests and beliefs of the potters, as well as the cultural and geographical features of the environment.

Keywords: Keyword one, keyword two, keyword three, keyword four, keyword five.

* Email (corresponding author): Zhe.taati@gmail.com

مطالعه تطبیقی سفال دست‌ساز روستای برجک و جیرده

زهرة طاعتی *

فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد صنایع دستی، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران



چکیده

این مقاله می‌کوشد با مطالعه تطبیقی سفالینه‌های برجک و جیرده، به وجوه اشتراک، افتراق و شاخصه‌های مهم سفالگری این سرزمین بپردازد. هدف در این پژوهش، شناخت و پی‌بردن به جایگاه سفال‌های دست‌ساز تولیدشده در دو روستای نام‌برده در بستر مطالعات تطبیقی است. همچنین بررسی شاخصه‌های هویتی و ارتباط سفالینه‌ها در این دو روستا مدنظر بوده است. از این رو، به طرح این پرسش‌ها پرداخته است:

۱- چه ارتباطی بین دست‌سازهای سفالی دو روستای «جیرده شفت» و «برجک خمین» وجود دارد؟

۲- شاخصه‌های دست‌سازهای سفالی دو روستای «جیرده شفت» و «برجک خمین» کدام است؟

پژوهش پیش رو با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی به مقایسه و تطبیق تولید سفال دو روستای جیرده و برجک پرداخته است. در جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای، میدانی و مکاتبه از راه دور با سفالگران پیشکسوت استفاده شده است. در نهایت، این نتیجه حاصل شد که در میان آثار سفالی جیرده ظروف موسوم به «گمّج و نوخون» از همه شاخص‌تر است، و از سفال‌های معروف روستای برجک «دو گوله» را می‌توان نام برد که هر دو برای طبخ و پخت‌وپز استفاده می‌شوند. در دو روستا محصولات سفالی بدون استفاده از تکنیک چرخ سفالگری، بسیار ساده و گاهی با تزئینات ابتدایی و نقش‌های بومی و به فرم‌های مدور، کشیده، استوانه‌ای و تخت تولید می‌شوند؛ ویژگی‌هایی که قدمت فرهنگی هریک از این روستاها را می‌رساند. از سویی دیگر، به‌خاطر عجین شدن زندگی مردم روستا با طبیعت و تأثیر سلیقه دیرینه نیاکان هنر خویش را این‌گونه به نمایش می‌گذارند؛ و از همه مهم‌تر اینکه بانوان سفالگر دو روستا هستند که هنری مشابه می‌آفرینند که در عین حال منحصر است و سالیان بی‌شماری است که سعی در حفظ سنت‌های خویش کرده‌اند. تفاوت میان سفالینه‌های دو روستا هم ناشی از سلیقه‌ها و تفاوت‌های فردی و علائق و باورهای سفالگران و هم ویژگی‌های فرهنگی و جغرافیایی محیط است.

واژگان کلیدی:

سفالگری، دو گوله، گمّج، روستای برجک، روستای جیرده.

* نویسنده مسئول مکاتبات: Zhe.taati@gmail.com

هنر سفالگری در تاریخ پرفرازونشیب سرزمین ایران از گذشته‌های دور و پیش‌از تاریخ تا امروز حیاتی شکوهمند و افتخارآمیز داشته و نشانه‌ای از زندگی اجتماعی و تمدن بشری است. هر سرزمین و ملتی با توجه به آداب و رسوم و سلاقیش، از نشانه‌ها، اشکال و تزئینات ویژه‌ای برای جلوه‌دادن به سفال استفاده کرده است. سفالگری هنری است با قدمتی بسیار بالا که برای مورخان جزو مهم‌ترین مظاهر هنری است و یکی از مهم‌ترین، قدیمی‌ترین و فراوان‌ترین ساخته‌های دست بشر بوده و هست که به‌صراحت می‌توان گفت از کامل‌ترین هنرهاست که از دیرباز در ایران رونق داشته است. هربرت رید درباره‌ی امتیازدهی هنر سفالگری نسبت به سایر هنرها می‌نویسد: «سفالگری در آن واحد ساده‌ترین و دشوارترین هنرهاست؛ ساده‌ترین چون ابتدایی‌ترین هنرهاست و دشوارترین، چون انتزاعی‌ترین هنرهاست.»

بررسی اشیای مکشوفه در گیلان نشان می‌دهد که در دوره‌ی ماد در نواحی متعدد حاشیه‌ی دریای خزر سفالگری رایج بوده است، ظروف به‌دست‌آمده از این دوران اکثراً شامل کوزه، تنگ، کاسه و خمره‌های بزرگ بوده است (Rahmati, 2011, p.38).

سفالگری گیلان دارای پیشینه‌ی تاریخی است که آثار سفالی عصر آهن مکشوف در تپه‌ی مارلیک و املش و ... گواه این مدعاست، لذا از دیرباز گیلان به‌عنوان یکی از مراکز مهم سفالگری در ایران محسوب می‌شده و قدمتی چند هزارساله دارد. با توجه به کشفیات و قدمت ظروف سفالی در مارلیک، تالش و دیلمان، جای هیچ شک و شبهه‌ای برجای نمی‌ماند که مردمانی در این منطقه ساکن بودند که اقلام ضروری و ابتدایی زندگی خویش را از گِل می‌ساختند و یا به‌صورت تفننی مجسمه‌هایی حیرت‌انگیز و زیبا به‌رنگ‌های سیاه و صیقلی تولید می‌کردند (Tohidast, 2008, p.22). «سفال‌های مارلیک مجموعه‌ای مرکب از سفالینه‌های خاکستری-سیاه و به‌ندرت قرمز است و در کنار آن‌ها سفالینه‌هایی نیز به‌شکل حیوانات اهلی و مهاجم و درنده، انسان کشاورز، جنگجو و مهاجم در ترکیباتی کاملاً نمادین و تجریدی و با مفاهیم تمثیلی نیز به‌دست‌آمده است» (Kambakhsh Fard, 2000, p.242).

سفالگری در گیلان از نوع تولید خانگی صنعتی است. کارگاه‌ها با اندک سرمایه‌گذاری در محدوده‌ی خانه‌ی سفالگر ایجاد شده و سفالگر با تکنولوژی ساده به سفالگری می‌پردازد. زنان بیشتر سفالگران را تشکیل می‌دهند. سفالگری یا کوزه‌گری در گیلان با وجود افت کلی قابل توجه، هنوز هم به‌عنوان یک فعالیت مهم انجام می‌گیرد و با توجه به اینکه تولید فقط در چند نقطه از گیلان صورت می‌پذیرد، با این حال از تنوع زیادی برخوردار است و مردم می‌توانند اقلام سفالی موردنیاز خود را از بازارهای محلی تهیه کنند (Rafiei, 2015, p.32). این هنریکی از مشاغل بومی این منطقه به‌حساب می‌آید و از نشانه‌های آن، نام بسیاری از روستاهای این استان است که وجه‌تسمیه‌ی آن از این حرفه سرچشمه می‌گیرد. محله‌هایی مانند خمیرمحلّه خمیران، کوزه‌گرمحلّه و غیره (The same, p.33).

در بیشتر منابع، مراکز سفالگری ایران در دوره‌ی ایلخانی ذکر شده‌اند که مهم‌ترین آنان شهرهای کاشان، سلطان‌آباد، سلطانیه، ساوه و نیشابور هستند؛ و از شهر سلطان‌آباد (اراک) به‌عنوان یکی از مراکز مهم سفال‌سازی یاد شده است (Kambakhsh Fard, 2000, p.471; Rafiei, 1998, p.85). ظاهراً کارگاه‌های بسیار پُرباری در سده‌ی هفتم و هشتم هجری در سلطان‌آباد دایر بوده است؛ اما هیچ شهری در محوطه‌ی کنونی سلطان‌آباد از دوره‌ی ایلخانی وجود نداشته است و مراکز تولیدکننده‌ی سفال در محدوده‌ی پهناوری در منطقه در روستاها پراکنده بوده‌اند که برخی در شعاع هشتاد کیلومتری خود سلطان‌آباد قرار داشته‌اند (Pope et al., 2008, p.4). شهر سلطان‌آباد (اراک کنونی) دارای قدمت چندانی نیست، بنابراین، برای جست‌وجوی پیشینه‌ی سفالگری در این شهر باید به شهرها و روستاهای اطراف این شهر نیز توجه نمود. (Karimi and Kiani, 1985, p.43). ولی آنچه مشخص است این است که در دو قرن هفتم و هشتم هجری شهرها و آبادی‌های چندی در اطراف شهر سلطان‌آباد بوده که در صنعت سفالگری معروف بوده‌اند و هیئت‌های حفاری در ویرانه‌های این آبادی‌ها مقادیر بسیاری سفال کشف کرده‌اند (Mohammed Hassan, 1941, p.217).

اما در طول حفاری از سایت‌های دوران اسلامی، شواهدی در ارتباط با تولید این ظروف در این شهر به‌دست نیامده است (Wilson, 2008, p.47). در مورد محل ساخت این سفالینه‌ها در ناحیه‌ی سلطان‌آباد اتفاق نظر وجود ندارد، زیرا اغلب این سفال‌ها از حفاری غیرمجاز به‌دست‌آمده و وارد موزه‌ها و مجموعه‌های مختلف شده است، اما همگونی اشکال و تزئینات این ظروف موجب شده تا آن‌ها را منسوب به سلطان‌آباد بدانند. در واقع، ظرف سلطان‌آباد بیانگر سبکی از سفالینه‌ها هستند که به سبک دوره‌ی ایلخانی معروف است. در میان سفالینه‌های منسوب به سلطان‌آباد، سفالینه‌های تاریخ‌داری به‌دست‌آمده است که در موزه‌های مختلف جهان نگهداری می‌شوند؛ و شاید از کهن‌ترین نمونه‌های سفال سلطان‌آباد سه قطعه سفال زرین‌فام در مجموعه آثار هنری کلکیان است که تاریخ‌های ۶۲۵، ۶۷۷ و ۶۶۹ ه. ق را دارند (Rafiei, 1998, p.161). دو نمونه‌ی دیگر از قدیمی‌ترین ظروف سلطان‌آباد که دارای تاریخ است، در موزه‌ی متروپولیتن نیویورک نگهداری می‌شود و دارای تاریخ ۶۷۲ و ۶۷۷ هجری است (Karimi and Kiani, 1985, p.43). سفال‌های به‌دست‌آمده از سلطان‌آباد (اراک امروزی) بسیار زیبا و از نظر کیفیت بسیار غنی‌اند. بسیاری از آن‌ها در میان ظروف سفالین ایران کمیاب است و بعضی دیگر، درجه‌ی عالی صنعت سفالگری را نشان می‌دهند.

روستای «برجک» واقع در بخش کمره از توابع شهرستان خمین استان مرکزی است. قدمت روستای فعلی زیاد نبوده، ولی در اقصی نقاط این روستا آثار زندگی گذشتگان دیده می‌شود و با حفاری و بعضاً به‌صورت تصادفی اشیاء و ظروف قدیمی یافت می‌شود. برای نمونه تپه‌ای موسوم به «چغا» در این روستا وجود دارد که بنا به نظریه‌ی کارشناسان اداره‌ی میراث فرهنگی بزرگ‌ترین

پی‌بردن به جایگاه سفال‌های دست‌ساز تولیدشده در دو روستای نام‌برده در بستر مطالعات تطبیقی است. همچنین بررسی شاخصه‌های هویتی و ارتباط سفالینه‌ها در این دو روستا مدنظر بوده است. از این‌رو، به طرح پرسش‌های زیر پرداخته است.

۱. چه ارتباطی بین دست‌سازه‌های سفالی دو روستای

«جیرده شفت» و «برجک خمین» وجود دارد؟

۲. شاخصه‌های دست‌سازه‌های سفالی دو روستای

«جیرده شفت» و «برجک خمین» کدام است؟

برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های مطرح‌شده در این مقاله، وجوه اشتراک، جهت کشف و اثبات روابط و وجوه افتراق، به‌منظور شناسایی تمایز سفال‌های دست‌ساز دو روستای برجک و جیرده و در نتیجه کشف و شناسایی ارزش‌های هویتی سفال دست‌ساز این مناطق مورد بررسی و توجه قرار گرفته است. پژوهش پیش‌رو که میراث سفالگران سنتی کار این مناطق را مورد بررسی قرار داده است؛ نخست، به تشریح سفالگری در «جیرده شفت» و «برجک خمین» پرداخته است و در ادامه، با تطبیق داده‌ها با یکدیگر وجوه ارتباطی و هویتی سفالینه‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

تپه‌خاکی استان است که آثار زندگی دارد و قدمت آن‌ها به دوره‌ی ساسانیان نسبت داده‌اند. وجود نوعی سفال به نام «سفال خشن» که از دست‌ساخته‌های آن دوران می‌باشد، خود مؤید این گفته است. از طرفی، روستای برجک مرکز سفالگری خمین محسوب می‌شود (Author, 2019, p.10).

شهرستان شفت از دیرباز یکی از مراکز اصلی تولید ظروف سفالی بومی استان گیلان بوده است. در حال حاضر، اصلی‌ترین کارگاه‌های تولیدکننده ظروف سفالی این شهرستان، روستای جیرده و روستای خرطوم است.

بررسی تطبیقی سفالینه‌های دو مرکز سفالگری در روستای «جیرده» واقع در استان «گیلان» و روستای «برجک» واقع در استان «اراک» امکان مطالعه بیشتر و شناخت بهتر این مراکز را فراهم خواهد کرد. هر دو روستا وارث سفالگری به شیوه کاملاً سنتی و بومی هستند. بازنشاسی و مقایسه این دو مرکز سفالگری از آن‌رو اهمیت دارد که این مراکز با بهره‌گیری و تداوم شیوه‌های سنتی ساخت و نقش‌اندازی و تولید محصولات کاربردی به‌عنوان کالاهای فرهنگی مطرح می‌شود که درجایی کارکرد هویتی یافته‌اند. هدف در این پژوهش، شناخت و

۱. روش پژوهش

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و شیوه دست‌یابی به اطلاعات و تصاویر به‌صورت میدانی، کتابخانه‌ای و مکاتبه از راه دور با سفالگران بوده است.

۲. پیشینه پژوهش

منابع بی‌شماری در زمینه پیشینه تاریخی سفال و سفالگری در گیلان وجود دارد اما در زمینه سفالگری در مراکز فعال معاصر منابع محدود است. در زمینه سفال، روستای برجک خمین پژوهشی توسط (Author, 2019) با عنوان «مطالعه تطبیقی سفال روستای برجک خمین و کلپورگان» انجام پذیرفته و همین‌طور پیرامون مسائل فرهنگی و تولید محصولات سفالی گیلان نیز پژوهش‌هایی صورت پذیرفته که به ذکر چند نمونه پرداخته می‌شود. البته این پژوهش متمرکز بر سفال دو منطقه ذکر شده است و به مناطق دیگر در گیلان اشاره چندانی ندارد (Davoudi Bazastani, 2009). در پایان‌نامه ارشد خود با عنوان «بررسی ویژگی‌های سفال و سرامیک امروز گیلان» با انتخاب کارگاه‌های شاخص و فعال در دو استان گیلان و مازندران توانسته مواد و مصالح، ابزار کار، تکنیک ساخت، فرم و تزئینات و لعاب انواع تولیدات سفالی دو منطقه را شناسایی کند (Rahmati, 2011). در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «سفال و سفالگری در زندگی مردم گیلان» به بررسی پگونگی ساخت و مراحل تولید سفال در گیلان پرداخته و عوامل رکود صنعت سفالگری در گیلان شناسایی شده است. هم در پایان‌نامه ارشد خود با عنوان «طراحی و ساخت ظروف مقاوم در برابر حرارت مستقیم با بررسی گمچ‌های گیلان» به طراحی و

ساخت ظروف سرامیکی مناسب با نیاز و سلیقه امروز جامعه و مقاوم در برابر شعله مستقیم پرداخته است. مقاله «گمچ در فرهنگ مردم گیلان» از (Mousavi, 2005) در مجله کندوج (موزه میراث روستایی گیلان) به معرفی و نحوه تولید گمچ می‌پردازد. این پژوهش سعی دارد علاوه بر معرفی دو مرکز با رویکردی تطبیقی به دو بعد ارتباط و هویت در رابطه با این دو مرکز بپردازد. اگرچه در منابع پژوهشی ذکر شده به دیدگاه‌هایی از این دو هنر پرداخته شده، کمتر به تطبیق و ارتباط میان آن‌ها اشاره شده است.

۳. موقعیت مکانی پژوهش

گیلان منطقه‌ای آرمیده در جنوب غربی دریای خزر در پای رشته‌کوه‌های البرز و در دامان جنگ‌های انبوه قرار دارد. دهستان جیرده که روستایی در بخش مرکزی شفت استان گیلان و نزدیک‌ترین روستا به مرکز گیلان، شهر رشت است و برجک که دهی از دهستان چهارچشمه بخش کمره از شهرستان خمین در ۱۴۰ کیلومتری شهرستان اراک در استان مرکزی است (شکل‌های ۱ و ۲).

۴. سفالگری در حوزه‌های مطالعاتی

۴-۱. روستای جیرده شفت

جیرده از گذشته تاکنون مهم‌ترین مرکز تولید سفال شهرستان شفت شناخته می‌شود. یکی از هنرمندان این منطقه بانویی پرذوق و بسیار هنرمند، عطیه روشنفکر، از روستای جیرده شفت است که کارگاه سفالگری خانگی دارد. این هنرمند ۶۲ساله که سفالگری را جذاب می‌داند، این‌طور می‌گوید که سفالگری را

از هشت سالگی از مادرش آموخته است و اینک هنر اجدادی اش را بعد از ۲۶ سال پی گرفته است. در کارگاه ایشان، چهار زن سرپرست خانوار به صورت مستقیم و دوازده نفر به صورت غیرمستقیم سفال تولید می کنند که محصولات تولید شده را به صورت مستقیم و یا اینترنتی به فروش می رسانند. کارگاه خانم روشنفکر توانسته برای شانزده نفر اشتغال زایی داشته باشد (Partovi Deilami, 2016).

برای ساخت سفالینه ها ابتدا مردان روستا خاک رس مناسب و مورد نیاز را از باغ و شالیزارها و کنار استخر و شالی جمع آوری می کنند. مردان برای تهیه خاک گاهی زمین را به عمق یک و نیم متر تا دو متر حفر می کنند و از انتهای گودال ایجاد شده خاک را برداشت می نمایند تا ناخالصی نداشته و خالص باشد. گل پس از اینکه به وسیله بیل و کلنگ خارج شد به کمک سبد، فرغان و ماشین حمل می شود. گل پس از آورده شدن به کارگاه به صورت دستی از ضایعات و شن جداسازی و خیسانده می شود. بعد گل را با مقداری ماسه مخلوط کرده، طی هفت مرتبه زیر پا ورز و لگد مال می کنند (شکل ۳) تا چسبندگی لازم را به دست آورد. سرانجام آن را روی تخته ای پهن می کنند و به صورت صفحات پهن یا گلوله مانند درمی آورند. گل حاصله یک هفته خوابانده می شود تا اصطلاحاً به عمل آید و بعد در اختیار سفالگر قرار داده می شود (Tawhidi, 1999, p.15). البته گل آماده شده را به مدت یک هفته در تابستان و یک ماه در زمستان زیر نایلونی قرار داده تا بر اثر فعالیت باکتری های بی هوازی درون گل، شکل پذیری آن افزایش یابد (Davoudi Bazastani, 2009, p.5).

برای ساخت سفالینه ها ابتدا مقداری گل را برداشته، محکم با مشت کوبیده و حفره ای به نسبت آنچه برای ساخت در نظر دارند در آن ایجاد کرده، سپس گل را روی صفحه ای قرار می دهند، با یک دست آن ها را می چرخانند و با دست دیگر به گل فرم می دهند. سپس، مقداری گل به صورت فیتیه (رول) به آن اضافه شده و این روند همچنان ادامه می یابد تا به ارتفاع مورد نظر دست برسد (Partovi Deilami, 2016). بعد از آن، نوبت خشک شدن سفالینه ها می رسد. آن ها را در معرض نور خورشید قرار داده تا فرایند سفت و محکم شدن آغاز شود. این مرحله حدوداً دو هفته طول می کشد تا گل خیس به گل خشک تبدیل شود. سپس، مرحله تراش بدنه انجام می شود تا بدنه ظاهری صاف، یکدست و زیبا پیدا کند. پیش از پختن سفال و پس از خشک شدن گل، آن را توسط دستمال خیس صیقل می زنند و درخشان می کنند. سپس، محصولات سفالی را در کوره پخت قرار می دهند.

در کارگاه لطیفی سه کوره فعال (شکل ۵)، وجود دارد؛ پس از مرحله پرداخت و خشک کردن، تمام محصولات سفالی در کوره با دمای ۷۵۰ درجه سانتی گراد قرار می گیرند. سفالینه ها به رنگ بیسکوییتی بیرون می آیند و پس از آنکه لعاب زده شدند (لعاب پوششی است که روی سطح بیرونی و درونی و درپوش سفالینه ها زده می شود که خود دلیلی برافزایش دوام و کیفیت محصول سفالی است، پیش از اعمال لعاب بر ظروف، آن ها را از

گرد و غبار پاک می کنند)، مجدد آن ها را در کوره با دمای ۹۵۰ درجه سانتی گراد می گذارند. مجدد پس از لعاب دوم، محصولات را در دمایی حدود ۱۱۰۰ درجه قرار می دهند. فرایند پخت ممکن است تا هفت هفته به طول انجامد. سپس، کوره را خاموش می کنند تا محصولات سفالی پس از یک الی دو روز خنک شوند. از آنجاکه سفالینه های تولید شده بسیار داغ اند خروج آن ها از کوره مستلزم ایجاد دمایی مناسب است تا ترک ایجاد نشده و شکسته نشوند. پس از آنکه پخت کامل شد و به پایان رسید، محصولات را به کارگاهی منتقل و برای فروش آماده می کنند.

محصولات سفالی سنتی که در جبرده ساخته و تولید می شوند، دودسته هستند: سفالینه هایی که به عنوان وسایل مورد نیاز و قابل استفاده ساخته و تولید می شوند، مانند گمج و نوخون، کوزه (دوشان)، خمزه ها، نمکدان آب خوری، دیزه، گوله ماست، نرخه، لاکوبیج و یا محصولاتمانند انواع گلدان، قلک، مجسمه و... که بیشتر جنبه تزئینی و زیبایی دارند و در ساختن آن ها ذوق و استعداد هنری به کار می رود (Glock, 1976, p.41). نمونه بارز سفالگری در گیلان، شیروانی های سفالی است که اگر اکنون بخواهیم دنبال آن بگردیم، چیزی جز ورقه های گالوانیزه به چشم نمی خورد. در جدول ۱ نمایی کلی از محصولات سفالی جبرده، و در جدول ۲ به توضیح تعدادی از آن ها پرداخته شده است.

۴-۲. روستای برجک خمین

روستای برجک کانون سفالگری خمین است و ساخت سفالینه ها در این روستا توسط دست صورت می پذیرد. سفالگری و سفالینه های روستای برجک راه و روش و سبک های سنتی پیشین آن با معانی مختلف را متذکر می شود. بیشتر ظروف سفالی ساخته شده روستا جنبه کاربردی دارد و بر حسب نیاز اهالی روستا خلق می شود... سفال و سفالگری سنتی در روستای برجک یکی از ارزشمندترین ساخته های دست انسان است که به صورت سینه به سینه و نسل به نسل در خانواده ها، از مادران به دختران منتقل شده است. این هنر متعلق به بانوان روستاست. خانم حمزه لو، بانوی ۷۷ ساله اهل روستای برجک، عزم خود را جزم کرد تا هنر بومی و اجدادی خود به نام «دوگوله برجکی» را زنده کند. ایشان به عنوان یکی از قدیمی ترین زنان بومی برجک و کارآفرین نمونه، با پشتکار و اراده بی نظیرش توانست هنر «دوگوله برجکی» را احیا و دانش و روش ساخت سفال بدون چرخ را در روستا گسترش دهد و برای چهل زن دیگر اشتغال ایجاد کند. خانم حمزه لو سفالگری را در هشت سالگی از مادرش آموخته که ایشان هم استاد سفالگری روستای برجک بوده است. اگرچه ساخت سفال به عهده زنان روستا است، مردان نیز علاوه بر تهیه و فرآوری گل و چیدن ظروف سفالی در کوره، محصولات آماده شده را به مکان هایی از جمله روستاهای دور و نزدیک، شهرهای هم جوار مانند قم، اراک، کاشان و... می برند و می فروشند. سفال و سفالگری برجک بدون چرخ گردون، بدون استفاده از لعاب، سنتی و کاملاً دست ساز، شرح و توصیفی بر ماهیت، فرهنگ و هنر، قومیت و تمدن روستای برجک است.



شکل ۱: نقشه گیلان

Fig. 1: Gilan map (<http://my-gilan.mihanblog.com>, 2021)



شکل ۲: نقشه استان مرکزی

Fig. 2: Map of Markazi Province (Arak Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts archive, 2021)



شکل ۴: نمایی از سه کوره فعال در کارگاه لطیفی

Fig. 4: A view of 3 active furnaces at Latifi workshop (Gamaj documentary, 2020)



شکل ۳: لگدمالی گیل با پا

Fig. 3: Kicking the clay with foot (Akbarpour, 2021)

جدول ۱: نمایی از تولیدات ساخته شده در چیرده
Table 1: A view of products made in Jirdeh (Author, 2021)

کوره زغالی	ساج	نرخه	گمچ
پارچ دوغ و لیوان	نمکدان دوتایی و چهارتایی	ماهیتابه دودسته	کوزه
دوشان	تنور سفالی	نمک گوله	تابه سفالی تکدسته
نمکیار	کاسه	کوره زغالی	نوخون

جدول ۲: تولیدات سفالی روستای جیرده
Table 2: Pottery products of Jirdeh village (author)

نام سفال	کاربرد
لاکوبیج	ظرف سفالی است بدون لعاب بزرگ‌تر از تابه با کفی با تحدب بسیار زیاد به طوری که سطح مخروطی شکل ایجاد می‌کند و مخصوص پخت نان محلی به نام نان برنجی و نان لاکوست.
تابه سفالی (کلابیج):	تابه‌ای به رنگ سفال که کف آن حالت انحنا دارد. زنان محلی و روستایی در تهیه و پخت نان‌های محلی، پخت نان برنجی یا نان خرفه از آن استفاده می‌کردند و بعضی هم داخل آن ماهی سفید را به قطر ۳۰ الی ۳۵ سانتی‌متر و یا به صورت حلقه‌ای قرار می‌دادند.
کاذج	کاسه‌ای کوزه‌مانند با دیواره بلند که جهت ساییدن کشک به کار می‌رود.
خُم	کوزه‌ای سفالی برای نگهداری ماهی (ماهی شور) است.
تنور سفالی (تنور نانوايي خانگی)	برای تهیه و پخت نان‌های محلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ظاهر این محصول استوانه‌ای به طول دومترا، قطر دهانه پنج سانتی‌متر و قطر بدنه پنج سانتی‌متر است که به عنوان یک کوره خانگی می‌تواند بسیار حرفه‌ای باشد.
فُوکو	مخصوص پخت نان برنجی، شبیه به گوشت کوب با کفی پهن‌تر و از جنس گل پخته لعاب‌دار است.
نَمکيار	یکی از ظروف محلی و قدیمی شبیه سینی سفالین که از آن برای ساییدن مغز گردو، سبزی و انار ترش، گوجه‌سبز و سیر استفاده می‌شود. گودی مناسب برای این ظرف باعث شده تا مواد غذایی به راحتی درون آن قرار بگیرند و مراحل ساییدن به آسانی انجام شود.
نَرخه (نیره)	چیزی شبیه خمیره که شکمهای ساخته می‌شود و دارای دو الی چهار دستگیره است. کاربرد آن جهت تبدیل ماست به دوغ و گرفتن کره است که حجم آن حدود ۱۰ الی ۱۵ لیتر است. حداقل به مدت نیم ساعت با بستن درب نرخه با کاسه کوچک و پارچه، آن را تکان می‌دهند تا کره بگیرند و دوغ آن را هم استفاده می‌کنند.
ماست گوله	یکی از ابزارهای قدیمی آشپزی همان کوزه ماست است که به زبان محلی ماست گوله نامیده می‌شود. ظرفیت آن حدود ۲ الی ۵/۱ لیتر شیر است. بدنه به رنگ سفال بوده و یک دستگیره برای جابه‌جایی دارد. اخیراً کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.
ساج	یک محصول کاملاً طبیعی و سنتی استان گیلان است که از آن برای تهیه و طبخ انواع نان‌های محلی استفاده می‌شود. یکی از اصلی‌ترین مزایای استفاده از ساج سفالی حالت سنتی بودن آن است.
گمچ	یکی از اصلی‌ترین ظروف سنتی ته‌گرد به شکل دیگ که از آن در تهیه و طبخ انواع خورشت و غذاهای محلی استفاده می‌شود.

۳-۴. تحلیل تطبیقی سفال برجک و سفال جیرده

در پژوهش تطبیقی حاضر، سفال «جیرده شفت» و «برجک خمین» که به صورت کتابخانه‌ای و مکاتبه از راه دور انجام شد، نوعی روابط نوعی روابط مشترک بین دست‌سازهای سفالی این دو روستا مشاهده شد (جداول ۳ و ۴). در میان سفال جیرده و سفال برجک تشابهاتی به چشم می‌خورد که بی‌تأثیر از فرهنگ باورها، عقیده‌ها و طبیعت مشترک میان هنرمندان سفالگر این دو روستا نیست. نقش‌های ساده استفاده شده همچون خطوط و ایجاد لبه‌های کنگره‌ای در پاره‌ای از سفالینه‌ها در هر دو روستا بی‌تأثیر از همان ذهنیت‌ها، باورها و بهره‌گیری از طبیعت نمی‌تواند باشد. این روابط به صورت عینی خود را در شیوه ساخت، فرم و نقش نشان می‌دهد. این روابط را می‌توان به عنوان اشتراکات ساختاری یادکرد. وجه دوم این مطالعه به نوعی به تمایز دست‌سازهای سفالی هر منطقه توجه دارد؛ یعنی روابط موجب یکسانی محض محصولات نشده است بلکه نوعی ساختار واحد در کنار ویژگی‌های فردی هر بخش را نشان می‌دهد. با وجود این ساختار واحد می‌توان تمایزاتی را مشاهده نمود که نشان‌دهنده ویژگی‌های خاص و یا به عبارتی عناصر هویتی سفال هر منطقه است، بنابراین مفهومی تحت عنوان «هویت» شکل می‌گیرد. سه شاخصه اصلی این تطبیق برای کشف ارتباط و تمایز، مؤلفه‌های ساخت، نقش و فرم است.

خاک مناسب و موردنظر ساخت سفال‌ها وجود دارد. این تپه‌ها در نزدیکی روستا هستند. مردان، خاک قرمز رنگ مخصوص سفالگری را که دارای مقداری شن است، جمع‌آوری و داخل کیسه پارچه‌ای ریخته و به محل ساخت سفالینه‌ها می‌آورند. خاک رس یک منبع طبیعی عالی و بومی و در دسترس روستاست. خاک مخصوص سفالگری را پس از صاف کردن با الک که به زبان محلی به آن قریل کردن می‌گویند، خیس می‌کنند. در زبان برجکی به خیساندن خاک، آخوره می‌گویند. سپس، گل را لگدمال کرده و ورز یا مالش می‌دهند. مردان به قوت دست گل سفالگری را ورز می‌دهند. پخت سفال هم سنتی است، طوری که کوره‌ای که شبیه تنور بزرگی است، درون زمین به صورت عمودی قرار دارد، عمق آن یک متر داخل زمین، قطر دهانه نود سانتی‌متر و ارتفاع آن تا پنجاه سانتی‌متر است (شکل ۵).

سفالینه‌هایی که در روستای برجک ساخته و تولید می‌شوند را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروه اول، سفالینه‌هایی هستند که به عنوان ضروریات زندگی مورد استفاده قرار می‌گیرند که بیشتر سفالینه‌های روستا از این نوع هستند، مانند تنور، دیگ، پارچ و لیوان سفالی، قَدَح و از همه مهم‌تر دوگوله را می‌توان نام برد. گروه دوم، که جنبه تزئینی دارند و به عنوان دکور استفاده می‌شوند، مانند گلدان، مجسمه و اسفند دودکن. در جدول ۳ به معرفی برخی از این تولیدات پرداخته و جدول ۴ نیز نمایی از آن‌ها را نشان می‌دهد.

سفالینه‌هایی که در روستای برجک ساخته و تولید می‌شوند را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروه اول، سفالینه‌هایی هستند که به‌عنوان ضروریات زندگی مورداستفاده قرار می‌گیرند که بیشتر سفالینه‌های روستا از این نوع هستند، مانند تنور، دیگ، پارچ و لیوان سفالی، قَدَح و از همه مهم‌تر

دوگوله را می‌توان نام برد. گروه دوم، که جنبه تزئینی دارند و به‌عنوان دکور استفاده می‌شوند، مانند گلدان، مجسمه و اسفند دودکن. در جدول ۳ به معرفی برخی از این تولیدات پرداخته و جدول ۴ نیز نمایی از آن‌ها را نشان می‌دهد.



شکل ۵: نمایی از کوره قبل از چیدن محصولات سفالی، عکس بالا، و نمایی از کوره با ظروف سفالی در حال پخت، عکس پایین
Fig. 5: A view of the furnace before picking pottery products, above photo, and a view of the furnace with pottery being baked, below photo (Author, 2019)

جدول ۳: تولیدات سفالی روستای برجک

Table 3: Pottery products of Borjak village (author)

نام سفال	معرفی سفال
دیگ	دیگ‌های برجکی دارای گنجایش ۴-۵ لیتری هستند که علاوه بر پخت‌وپز می‌توانند جنبه تزئینی هم داشته باشند و البته بزرگ‌ترین سایز دیگ به حساب می‌آید. طبخ غذا در دیگ علاوه بر حس خاطره‌انگیزی که دارد، برای سلامتی هم مفید است.
کوزه آب (خُم) یا خمره	یک ظرف آب با حدوداً پنجاه سانتی‌متر بلندی و مخروطی با ظرفیت پنج لیتر است، دارای گردنی باریک که به‌عنوان پشتیبان عمل می‌کند و دودسته که به سمت پایین کلفت‌تر می‌شوند تا به گردی روی دیواره شکم خمره وصل شود. هنگامی که خمره پر از آب است، وزن کامل آن تقریباً هشت کیلوگرم است. کوزه آب بهترین تصفیه‌کننده طبیعی است و قابلیت خنک‌کنندگی بالایی برای آب دارد.
پنجاه‌تایی، بیست‌تایی	کوزه‌های بسیار بزرگی که گنجایش پنجاه و بیست لیتری دارند و برای نگهداری سرکه، ترش‌بجات و... استفاده می‌شود. از فواید آن‌ها این است که محتوای داخل آن هیچ‌گاه فاسد نمی‌شود، چراکه ظروف سفالی خاصیت ضد فاسدشدن دارند و از طرفی دیواره‌های سفالی آن‌ها باعث بالارفتن کیفیت مایعات داخل آن می‌شود.
دیگچه	همان دیگ است در سایز کوچک که اصولاً برای پخت انواع سوپ، خورش و آبگوشت استفاده می‌گردد.
تنور	تنوره‌های سنتی با وجود روی کار آمدن نانوایی‌های صنعتی هنوز هم در برجک مورداستفاده قرار می‌گیرند. بعد از فراهم کردن گِل موردنیاز، تکه‌های کوچک گلی را به هم می‌چسبانند و درون و بیرون تنور را صاف و صیقلی می‌کنند. قسمت بالایی تنور را پهن‌تر و قوی‌تر در نظر می‌گیرند و حاشیه آن را طرح دندان‌دار داده و آن را تزئین می‌کنند. در قسمت پایین تنور، دریچه کوچکی برای ورود هوا تعبیه می‌کنند.
پارچ سفالی	ظرفی است دسته‌دار با دهانی گشاد که برای نگهداری آب و دیگر مایعات استفاده می‌شود. دسته این ظرف سفالی از یک طرف روی بدنه و از طرف دیگر به دهان یا گردن متصل است و از آن برای ریختن مایعاتی که درونش نگهداری می‌شود، استفاده می‌کنند. گنجایش پارچ‌ها معمولاً بین ۲,۵ تا ۵ لیتر است.
تخته خانه	یک محصول بسیار کاربردی و زیباست که از آن در تهیه و تولید نان‌های خانگی استفاده می‌شود. تخته خانه دارای سطحی صاف است که خمیر نان را روی آن پهن و نازک می‌کنند و بعد آن را به تنور می‌زنند. معمولاً سایزهای آن ۵۰ و ۶۰ و ۷۰ سانتی‌متر است
گلدان سفالی	ساخت گلدان‌های سفالی کاری زمان‌بر است اما سخت و طاقت‌فرسا نیست. سازندگان آن‌ها گِل به دست آمده را شکل می‌دهند و با فشار به فرم موردنظر و به ضخامت دلخواه می‌رسانند. دسته‌های گلدان‌ها علاوه بر خوش‌دستی، جابه‌جایی و استفاده آسان بسیار مقاوم ساخته می‌شوند که البته خاک به کاررفته با دارابودن مواد غنی، استقامتی بالاتر را نتیجه می‌دهد.
دوگوله	قابلمه‌ای گلی و بدون لعاب که برای پخت دیزی یا همان آب‌گوشت استفاده می‌شود. ظرفی کاربردی برای طبخ غذا که در سایزهای مختلف تولید می‌شود. دوگوله دودار (دو= دوغ) بیشتر برای پخت‌وپز و نگهداری عرقیات سنتی و مواد غذایی (لبنیات، ماست، کشک، دوغ، روغن، ترش‌بجات و...) و در برخی موارد برای تزئین استفاده می‌شود

جدول ۴: انواع تولیدات سفالی برجک
Table 4: Types of Burjak pottery products (Author)

آپاش سفالی	تخته خانه و بیست تایی	گلدان تخت	ظرف ماست
			
پارچ آب	کاسه	اسفند دود کن	شکرپاش
			
دوگوله	تنور سفالی تزئینی	دیگچه	پنجاه تایی
			

۳-۴. تحلیل تطبیقی سفال برجک و سفال جبرده

در پژوهش تطبیقی حاضر، سفال «جبرده شفت» و «برجک خمین» که به صورت کتابخانه‌ای و مکاتبه از راه دور انجام شد، نوعی روابط نوعی روابط مشترک بین دست‌سازهای سفالی این دو روستا مشاهده شد (جدول ۳ و ۴). در میان سفال جبرده و سفال برجک تشابهاتی به چشم می‌خورد که بی‌تأثیر از فرهنگ باورها، عقیده‌ها و طبیعت مشترک میان هنرمندان سفالگر این دو روستا نیست. نقش‌های ساده استفاده شده همچون خطوط و ایجاد لبه‌های کنگره‌ای در پاره‌ای از سفالینه‌ها در هر دو روستا بی‌تأثیر از همان ذهنیت‌ها، باورها و بهره‌گیری از طبیعت نمی‌تواند باشد. این روابط به صورت عینی خود را در شیوه ساخت، فرم و نقش نشان می‌دهد. این روابط را می‌توان به عنوان اشتراکات ساختاری یادکرد. وجه دوم این مطالعه به نوعی به تمایز دست‌سازهای سفالی هر منطقه توجه دارد؛ یعنی روابط موجب یکسانی محض محصولات نشده است بلکه نوعی ساختار واحد در کنار ویژگی‌های فردی هر بخش را نشان می‌دهد. با وجود این ساختار واحد می‌توان تمایزاتی را مشاهده نمود که نشان‌دهنده ویژگی‌های خاص و یا به عبارتی عناصر هویتی سفال هر منطقه است، بنابراین مفهومی تحت عنوان «هویت» شکل می‌گیرد. سه شاخصه اصلی این تطبیق برای کشف ارتباط و تمایز، مؤلفه‌های ساخت، نقش و فرم است.

۴-۴. مطالعه شاخصه تطبیقی شیوه ساخت سفالینه‌ها

شیوه ساخت و عمل‌آوری خاک در دو مرکز سفالگری ذکر شده شباهت زیادی با یکدیگر دارد، در عین حال تفاوت‌های جزئی نیز در

سفالگری این مناطق قابل مشاهده است. در خصوص وجوه اشتراک و افتراق این سفال‌های دست‌ساز پس از بررسی‌های انجام شده، می‌توان بیان کرد این شباهت‌ها و تفاوت‌ها و دلایل آن‌ها در عوامل زیر خلاصه می‌شوند.

۱-۴-۴. شاخصه‌های ارتباط

الف. در مناطق ذکر شده تنها بانوان هنرمند سازنده تولیدات سفالی هستند و مردان در فروش سفال‌ها، آماده‌سازی کوره و گل سفالگری نقش دارند. از معروف‌ترین تولیدکنندگان سفال دست‌ساز جبرده می‌توان خانم‌ها عطیه روشنفکر، محترم فنونی، مدینه فاضلی، حسنی غمگسار، معصومه خوش‌روش و زلیخا خرم و... را نام برد. لازم به ذکر است تمامی این هنرمندان بالای چهل سال دارند و این کار توسط جوان‌ترها کمتر مورد استقبال قرار گرفته است (Davoudi Bazastani, 2009). کارگاه عطیه روشنفکر و علی لطیفی (کارگاه سفالگری لطیفی)، در روستای جبرده قرار دارد و بخشی از حیات خانۀ زوجی است که سال‌هاست در جبرده ظروف سفالی تولید می‌کنند. ایشان و دیگر بانوان هنرمند جبرده اثری به نام «گمچ و نوخون» خلق می‌کنند. یکی دیگر از بانوان سفالگر روستای جبرده به نام خانم ملوک صادقی، ۴۷ ساله پس از گذراندن آزمون‌های مهارتی توسط میراث فرهنگی، به عنوان سفالگر در موزه میراث روستایی برای نمایش نحوه تولید و عرضه تولیدات سفالی به فعالیت مشغول است (Rahmati, 2011).

خانم حمزه‌لو، استاد هنرمند و بانوی ۷۷ ساله، به عنوان یکی از قدیمی‌ترین زنان بومی برجک و کارآفرین نمونه، با پشتکار و اراده

بی‌نظیرش توانست هنر «دوگوله برجکی» را احیا کند و دانش و روش ساخت سفال بدون چرخ را در روستا گسترش دهد و برجک را تبدیل به قطب «دوگوله برجکی» خمین و کشور کند. اگرچه به‌خاطر شرایط اقتصادی و سایر شرایطی که بانوان برجکی با آن مواجه‌اند، نتوانسته‌اند به‌طور جداگانه برای خود کارگاهی دایر کنند، در کارگاه مشترک روستا که با اندک سرمایه ایجاد شده مشغول به سفالگری یا آموزش هستند (Author, 2019).

ب. تأمین مواد اولیه و خاک موردنیاز در هر دو مرکز سفالگری به‌صورت بوم‌آور است و از منطقه تأمین می‌شود. خاک جیره (خاک رس) مناسب‌ترین خاک برای سفالگری منطقه و در برابر شعله مقاوم‌ترین خاک را نسبت سایر مکان‌ها دارد. به همین دلیل هم به جیره مهد سفال گیلان گفته می‌شود. در دو نقطه از روستای برجک بنام «گل اشکن» که به آن گل شکسته هم گفته می‌شود، خاک مناسب و موردنظر ساخت سفال‌ها وجود دارد، این تپه‌ها در نزدیکی روستا هستند. ذرات خاک رس روستای برجک ریز، متراکم و فشرده است باعث مرغوب و مطلوب‌شدن سفالینه‌ها می‌شود.

ج. عمل‌آوری خاک در هر دو روستا مشابه است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های خاک رس، چسبندگی آن است و نسبت به سایر خاک‌ها آب بیشتری در خود نگه می‌دارد. این خاک با جذب آب (رطوبت) ورم کرده، خاصیت چسبندگی خمیری و قالب‌گیری پیدا می‌کند و با خشک‌شدن منقبض می‌شود، به همین دلیل به‌عنوان ماده‌ی عالی برای سفالگری شناخته شده است؛ و در هر دو روستا هم به همین شکل است.

د. شناسایی خاک مناسب در هر دو روستا بر اساس تجربه سفالگر و لمس خاک با انگشتان به‌دست می‌آید. و در هر دو روستا از حوضچه‌های تصفیه گل خبری نیست. بنابراین، عاری از ناخالصی نیستند چراکه خاک رس دارای مواد معدنی مختلفی مثل اکسید آهن و دیگر فلزات است که هم برای بدن انسان مضر بوده و هم در کیفیت محصولات تأثیرات مخربی می‌گذارد.

ه. ساخت سفال‌ها در هر دو مرکز دستی و با استفاده از ابزار بومی، سنتی و ساده صورت می‌پذیرد. ابزار در دسترس بوده و یا ساخت آن‌ها را از اجدادشان آموخته‌اند. رنگ سفال‌ها در هر دو مرکز قبل از پخت قرمز رنگ است که به دلیل وجود اکسید آهن در خاک هر دو منطقه است. نقش و نگار سفال‌ها در دو روستا قبل از پخت روی سفال‌ها انجام می‌شود. این کار به دلیل قابلیت‌های خاک منطقه از جمله چسبندگی آن است. همچنین استفاده از اکسید آهن ثبات خوبی روی بدنه ایجاد می‌کند. این شیوه به‌نوعی شبیه نقاشی با گلابه‌های رنگی روی سفالینه‌های پیش‌از تاریخ است.

۴-۲-۴. شاخصه‌های هویت

الف. در جیره برای شکل‌دهی به خمیر گل از چرخ سفالگری دستی و تکنیک فته‌ای استفاده می‌کنند، درحالی‌که در روستای برجک بدون چرخ گردون سفالگری و با استفاده از دست انجام می‌شود. مهارت تولید سفال برجک به‌عنوان نمونه‌ای از هنر ارزشمند سفالگری بدون چرخ به ثبت ملی رسیده است. در روستای

برجک، مردان به قوت دست گل سفالگری را ورز می‌دهند. هنگام ورز دادن مقداری موی بز یا پهن گاو یا لویی (گیاه مُرداب) به‌اصطلاح محلی کُریو اضافه می‌شود که برای استحکام و پخت بهتر سفال‌هاست. به گفته آقای شرفی (دهیار و عضو شورای اسلامی روستای برجک) اضافه کردن موی بز تفسیر دیگری نیز دارد و آن این است که موی بز به‌کاررفته در سفال وقتی در دمای زیر نهصد درجه کوره (شکل ۶) می‌سوزد، باعث ایجاد منافذ در محصولات سفالی می‌گردد. وجود منافذ در ظروف سفالی سبب ایجاد حرارت یکسان به تمام سطح ظرف در هنگام پخت می‌شود. صفحه یا چرخ‌دستی (تصویر ۷) مورد استفاده سفالگران جیره دو تخته چوبی دارای ابعاد ۳۵ سانتی‌متر در طول و ۲۵ سانتی‌متر در عرض و ضخامت ۲ تا ۳ سانتی‌متر است که با دو میله آهنی کوچک روی هم قرار گرفته و تخته بالایی با حرکت دست سفالگر حول محوری که ایجاد شده است، حرکت می‌کند (Partovi, 2016).

ب. ابزار سفالگری در هر دو روستا ساده و بومی است. فقط نامشان متفاوت است. در جیره برای هموار کردن بدنه سفالی از وسیله‌ای به نام دوکو در حالت چرمینگی سفالینه‌ها استفاده می‌شود و سفال‌های نیمه‌خشک‌شده را هموار می‌سازند. برای تراش از حلقه‌های فلزی گِرو که بهره می‌برند و اضافات گل را می‌گیرند و فرم موردنظر را به ظرف می‌دهند. در صورتی که در برجک برای صاف کردن ظروف سفالی از پر استفاده می‌گردد که یک قطعه چوب مستطیل شکل بلند حدود ۲۵ سانتی‌متر است و برای هموار و صاف کردن بدنه ظروف سفالی هم از آن استفاده می‌شود؛ ته‌گیر نیز وسیله‌ای داس‌مانند است که برای تراش ظروف استفاده می‌گردد و از سنگ هم برای صیقل دادن ظروف سفالی استفاده می‌شود.

ج. در برجک سفالینه‌ها فاقد لعاب‌اند. فاقد لعاب‌بودن سفال‌های برجک می‌تواند به دلیل عدم نیاز به لعاب‌زنی و اصالت بخشیدن به سفال‌ها باشد. درحالی‌که در جیره از لعاب برای تزئین تولیدات سفالی استفاده می‌شود. سفالگران و کوزه‌گران جیره در پخت لعاب مهارت دارند و در مواردی که استفاده از لعاب ضروری است مانند ساخت گمج، لعاب سبزرنگ به‌کاربرده می‌شود که رنگ سبز را معمولاً از مخلوط پودر شیشه با قلع و مس به‌دست می‌آورند، رنگی که با طبیعت گیلان سازگاری دارد. غالباً سفالگران گیلانی از لعاب استفاده نمی‌کنند تا به کار خود اصالت بیشتری بدهند. خانم روشنفر از اولین کسانی هستند که توانسته ظروفی با پوشش لعابی بدون سرب تولید کند. فضایی که سفال‌ها در طول فرایند خشک‌کردن لعاب درون آن قرار می‌گیرند و محیط داخلی کوره نیز در تعیین رنگ لعاب استفاده شده و در سفالگری مؤثرند. علاوه بر آن، مرحله مربوط به خنک‌کردن سفال نیز در ایجاد رنگ لعاب نقش دارد.

- کوره پخت در جیره توسعه پیدا کرده و از حالت سنتی خارج شده است و با برق کار می‌کند تا دمای ۱۱۰۰ درجه را فراهم آورد (به‌خاطر استفاده از لعاب)، درحالی‌که در برجک از همان کوره‌های سنتی با سوخت هیزم و پهن گاو استفاده می‌شود.

جدول ۵: نمونه‌های تصویری فرم سفالینه‌های جبرده و برجک
Table 5: Image examples of Jardeh and Burjek pottery forms (author)

ردیف	کاربرد	برجک	جبرده
۱	ظرف پخت غذا		
۲	پارچ		
۳	کاسه		
۴	تنور		
۵	گلدان		

جدول ۶: انواع فرم‌های به کاررفته در سفالینه‌های روستای برجک
Table 6: Types of forms used in the pottery of Borjak village

فرم	برجک	جبرده
مدور	 تنور	 گمچ
استوانه‌ای	 بیست تایی	 دیزی
تخت	 تخت خمیر	 نمکیار
کشیده	 دوگوله	 کوزه

۴-۵. مطالعه شاخصه تطبیقی فرم سفالینه‌ها

دست‌سازهای سفالی جبرده و برجک دارای انواع گونه‌های متعددی است که از لحاظ شکل و کاربرد باهم شباهت‌های زیادی دارند. تفاوت‌های جزئی نیز در آن‌ها مشاهده می‌شود. قبل از پرداختن به این شاخصه تطبیقی، ذکر این نکته ضروری است که مفهوم فرم در این پژوهش معادل شکل یا خطوط بیرونی اثر است؛ به عبارت دیگر فرم معادل شکل کلی اثر در نظر گرفته شده است و با فرم نقوش، یعنی خطوط پیرامونی که کلیت نقش را ایجاد می‌کند، متفاوت است.

۱-۵-۴. شاخصه‌های ارتباط

الف) نوع سفال‌های دو مرکز کاربردی است و اکثر تولیدات سفالی را ظروف کاربردی مانند پارچ، تنور سفالی، کاسه، لیوان و امثال آن تشکیل می‌دهد. این مسئله به علت آن است که بیشتر تولیدات سفالی دو مرکز طبق نیاز مصرف‌کنندگان محلی و بومی مناطق تولید می‌شود.

ب) فرم سفالینه بر اساس نیاز و ضروریات زندگی مردمان روستا شکل می‌گیرد. محصولات سفالی تولیدشده در این دو روستا اغلب در ارتباط با همین زندگی کشاورزی و دامپروری روستا بوده و با معیشت، باورها و اعتقاداتشان ارتباط مستقیمی دارد.

ج) فرم استوانه‌ای، تخت، کشیده و مدور از وجوه مشترک فرم سفالینه‌های دو مرکز است. شکل و فرم سفالینه‌ها در دو مرکز بیشتر گرد است و دارای ضخامت چشمگیری هستند ولی اندازه و ضخامت تولیدات متفاوت است. فرم و اصالت شکلی سفالینه‌ها باعث شده تا تغییرات چشمگیری در فرم سفالینه‌ها صورت نگیرد. ظروف ساخته‌شده در هر دو روستا بسیار ضخیم و به دور از ظرافت ساخته می‌شود.

د) دسته‌های تولیدات سفالی در هر دو منطقه شبیه هم است و در هر دو مرکز دسته‌ها همراه بدنه سفالی و در حین ساخت ساخته می‌شوند، بنابراین استحکام بیشتری دارد. به نظر می‌رسد به کارگیری دسته در سفالینه‌ها با کیفیتی که بیان شد، یادگار سفالینه‌های پیش از تاریخ باشد، زیرا در سفالینه‌های دوره‌های پیش از تاریخ به کارگیری دسته به این شیوه معمول بوده است.

۲-۵-۴. شاخصه‌های هویتی

الف) فرم تولیدات سفالی جبرده علاوه بر فرم‌های تخت، کشیده، مدور و استوانه‌ای که در برجک هم دیده می‌شود، فرم‌های بیضی و مخروطی را نیز شامل می‌شود (جدول ۷)

ب) امروزه بیشتر تولیدات روستای جبرده ساخت گمج، تابه و نمکیار است (Davoudi Bazastani, 2009, p.25).

یکی از بانوان سفالگر جبرده (ملوک صادقی)، مجسمه‌های گلی چون گوزن، گاو و اسب را به شیوه‌ای فشاری و انگشتی تولید می‌کند و این مجسمه‌های گلی را به همراه دیگر ظروف تولیدی در جبرده در موزه روستایی گیلان عرضه می‌کند (Rahmati, 2011, p.81). سفال برجسته جبرده گمج است. «گمج» در فارسی به «کماجدان گلی» یا همان دیگ سفالی اطلاق می‌شود. بیشتر تولید زنان سفالگر جبرده را گمج تشکیل می‌دهد. این ظرف دارای دهنه

گشاد و کف گود و مقعر است. به همین دلیل برای گذاشتن آن بر سطح زمین از گرگ یا گرکه یا گمج‌دانه که از بامبو و یا کلوش ساخته می‌شود، استفاده می‌کنند. این ظرف برای خورش‌پزی است و نوخون نیز از همان جنس و درپوش آن است که برعکس کف گمج دارای تحدبی به سمت بالا است و دارای برآمدگی به عنوان دسته بر رأس آن است (Partovi Deilami, 2016). سفال برجسته برجک «دوگوله برجکی» است که عمدتاً در پخت‌وپز غذا به کار می‌رود. سفالینه‌های برجکی به‌ویژه دوگوله تماماً به صورت دست‌ساز توسط بانوان و بدون چرخ سفالگری در سایزهای مختلف تولید می‌شوند. دوگوله‌ها که غالباً فرمی مدور و گود دارند، مانند قابلمه‌های گرد هستند و ضخامتی که دارند باعث سنگینی و مقاومت آن شده است. گاهی بدون دسته هستند و تزئیناتشان نیز بسیار اندک و ساده است.

جدول ۷: فرم مخصوص تولیدات سفالی جبرده

Table 7: Special form for Jirdeh pottery products (author, 1400)

میخوری (نمکدان دوتایی)	مخروطی (فوگو)
	

۵. مطالعه شاخصه تطبیقی نقش سفالینه‌ها

آنچه امروزه به عنوان نقش سفال می‌شناسیم، پیشینه‌ای طولانی دارد. نقش‌ها ابتدا بسیار ساده بودند و سازنده سفال ظروف را با خطوطی ساده تزئین می‌کرد. سپس، خطوط پیچیده‌تر شدند و بعدها نقش‌هایی به آن‌ها اضافه شدند.

۱-۵-۵. شاخصه‌های ارتباط

الف) نقوش سفالینه‌های دو مرکز بسیار ساده و ابتدایی است (ب) اکثر ظروف ساده و دارای تزئیناتی ساده و خطی است که احتمالاً از مرزهای زمین‌های کشاورزی و آبراه‌ها گرفته شده است و با ابزار محلی هر منطقه ایجاد می‌شود. خط به عنوان اصلی‌ترین و سیال‌ترین عنصر بصری در ارتباط با مفاهیم ذهنی سفالگران این دو روستا به کار برده می‌شود.

ج) کیفیات بصری مثل ریتم و حرکت در سفالینه‌های هر دو روستا دیده می‌شود و از نوعی دانش بصری برخوردار است که به صورت تجربی به دست آمده است.

د) نقش و نگار در سفال‌های برجک و جبرده بیشتر از خود گل است.

۲-۵-۵. شاخصه‌های هویت

الف) نقش‌ها در سفالینه‌های جبرده ساده‌ترند، فقط از خود گل و به صورت انگشتی، کنگره‌ای و لعاب استفاده می‌کنند. در برجک علاوه بر روش فته‌ای روی برخی تولیدات، از نقش بز کوهی، دایره، خطوط موج‌دار و مارپیچ و نقوش هندسی استفاده می‌شود (جدول ۸). نقوش به کاررفته از متداول‌ترین و احتمالاً یکی از

قدیمی‌ترین و رایج‌ترین نقوش تزئینی مورد استفاده در سفالگری هستند. زنان سفالگر جیره دهانه گمج و گلدان ساخته‌شده را با حرکت فشاری و منظم به‌صورت موجدار درمی‌آوردند. ملوک صادقی، سفالگر جیره‌ای، به این نوع تزئین (طرح دانه) می‌گوید. این طرح موجدار به‌صورت تزئین افزوده نیز گاهی به کوزه، نرخه و دهانهٔ تشت و غیره اضافه می‌شود. به این صورت که مقداری از گل را در دست به‌صورت فتیلهٔ باریک درآورده و آن را به‌صورت موج‌دار به لبه و بدنه ظروف اضافه می‌کنند. این طرح متداول‌ترین تزئین روی ظروف گلی در گیلان است (Rahmati, 2011, p.89).

ب) در روستای جیره، ظروف از تقارن برخوردارند، ولی در

برجک ظروف تقارن کاملی ندارند. چراکه دایره‌ها به‌وسیلهٔ دست شکل می‌گیرند. از آنجا که ظروف کاملاً دست‌ساز بوده و بیشتر به روش فتیله‌ای و با حرکات مار گونه ساخته می‌شوند، محصولات سفالی تولیدشده از قرینهٔ درستی برخوردار نیستند.

ج) ظروف ساخته‌شده در روستای جیره به پرداخت بیشتری نیاز دارند (به‌علت حرکت کند چرخ‌دستی سطوح ظروف به‌طور کامل صاف و صیقلی نمی‌شود).

جدول ۹: تطبیق سفالگری در روستای جیره و برجک را نشان داده و در جدول ۱۰ موارد اشاره‌شده در شیوهٔ ساخت به‌صورت تصویری آورده شده‌اند.

جدول ۸: تزئینات و نقوش استفاده شده در تولیدات سفالی جیره و برجک

Table 8: Decorations and motifs used in Jirdeh and Burjak pottery products (Author)

بزرگ	زنجیره‌ای	زیگزاگ	لوزی	فتیله‌ای	مثلث	دایره‌ای	کنگره‌ای	انگشتی	لعاب
									
برجک							جیره		

جدول ۹: تطبیق سفالگری در دو روستای جیره و برجک

Table 9: Implementation of pottery in the two villages of Jirdeh and Burjek

ردیف	انواع ویژگی	مراکز سفالگری	وجوه ارتباطی (اشتراکات)	وجوه هویتی (تمایزات)
۱	ساخت	جیره برجک	تولیدکنندگان سفال‌ها، تأمین خاک و مواد اولیه بوم‌آورد، عمل‌آوری خاک، شناسایی خاک به‌صورت تجربی، ابزار اولیه و بومی، نبود حوضچه‌های تصفیه گل، رنگ سفالینه‌ها قبل از پخت؛ نقش‌اندازی روی سفال	در جیره برای شکل‌دهی به خمیر گل از چرخ سفالگری دستی و تکنیک فتیله‌ای استفاده می‌کنند، ولی در روستای برجک بدون چرخ گردون سفالگری و با استفاده از دست انجام شده و مقداری موی بز (کریو) برای استحکام بهتر سفالینه‌ها اضافه می‌کنند. نام ابزارهای بومی دو روستا متفاوت است. ابزار جیره، دو کو و گر کو است ولی در برجک، پر، تگ گیر و سنگ است. در جیره از لعاب برای تزئین تولیدات سفالی مخصوصاً در ساخت گمج استفاده می‌شود، ولی در برجک سفالینه‌ها فاقد لعاب‌اند. کوره پخت در جیره با برق کار می‌کند. در حالی که در برجک از همان کوره‌های سنتی استفاده می‌شود.
۲	فرم	جیره برجک	کاربردی بودن سفالینه‌ها و بر اساس نیاز و زندگی مردمان روستا، فرم و اصالت شکلی، شکل و فرم گرد و ضخامت زیاد، فرم استوانه‌ای، تخت، کشیده و مدور، فرم دسته مشترک	فرم بیضی و مخروطی نیز در جیره دیده می‌شود. سفال برجسته جیره گمج و نوخون (درب گمج) و سفال برجسته برجک «دوگوله برجکی» است.
	نقش	جیره برجک	نقوش ساده و ابتدایی، تزئینات ساده و خطی، کیفیت‌های بصری ریتم، حرکت، نقش و نگار از خود گل	در جیره نقش‌ها ساده‌ترند و به‌صورت انگشتی، کنگره‌ای و لعاب است ولی در برجک علاوه‌بر روش فتیله‌ای روی برخی تولیدات، از نقش بز کوهی، دایره، خطوط موج‌دار و مارپیچ و نقوش هندسی استفاده می‌شود. در روستای جیره ظروف از تقارن برخوردارند، ولی در برجک ظروف از تقارن کاملی و قرینه درستی به دلیل عدم استفاده از چرخ و کاملاً دست‌ساز برخوردار نیستند. ظروف ساخته‌شده در روستای جیره به پرداخت بیشتری نیاز دارند (به‌علت حرکت کند چرخ‌دستی سطوح ظروف به‌طور کامل صاف و صیقلی نمی‌شود).

جدول ۱۰: تفاوت ابزارها، چرخ، کوره و لعاب سفال هر دو روستا (نگارنده)

Table 10: The difference between tools, wheels, kilns and pottery glazes of both villages (author)

لعاب	کوره	چرخ	ابزار پرداخت	ابزار تراش	ابزار
		در روستای برجک از چرخ سفالگری حتی ساده‌ترین آن‌هم استفاده نمی‌شود.			مرکز سفالگری
			برای صیقل دادن ظروف سفال	ته‌گیر برای تراش ظروف پرتکه چوبی برای هموار و صاف کردن بدنه	
					پایه
لعاب زنی	کوره برقی	چرخ در جبرده ساده و ابتدایی است	<ul style="list-style-type: none"> - پارچه برای صاف و هموار کردن بدنه و لبه ظرف - دو کو ابزاری چوبی برای هموار کردن بدنه سفالی در حالت چرمینگی - حصیری برای اندازه‌گیری نوخون 	گرکو حلقه‌ای فلزی برای تراش بدنه فلزی سفال	

نتیجه‌گیری

در ساخت سفالینه‌های دو روستا غلبه شیوه سنتی و ابتدایی سفالگری این مناطق مشهود است و سفالگران خود را مقید به رعایت اصول سنتی ساخت می‌دانند. رنگ قرمز سفال‌ها قبل از پخت و انجام نقش و نگار قبل از پخت سفالینه‌های این مناطق را شاخص کرده است. فرم و اصالت شکلی سفالینه‌ها باعث شده تا تغییرات چشمگیری در فرم سفالینه‌ها صورت نگیرد. اکثر تولیدات سفالی این دو مرکز به صورت کاربردی و در جهت تأمین نیازهای مردم منطقه است. اکثر ظروف ساده و دارای تزئیناتی ساده و خطی است که احتمالاً از مرزهای زمین‌های کشاورزی و آبراه‌ها گرفته شده است و با ابزار محلی هر منطقه ایجاد می‌شود. خط به‌عنوان اصلی‌ترین و سیال‌ترین عنصر بصری در ارتباط با مفاهیم ذهنی سفالگران این دو روستا به‌کاربرده می‌شود. کیفیات بصری چون ریتم و حرکت نقوش بر گرداگرد سفالینه‌های دو مرکز باعث استحکام بصری نقوش شده است و به‌نظر می‌رسد از نوعی دانش بصری برخوردار است که به‌صورت تجربی به‌دست‌آمده است. این امر خودش را در هماهنگی نقش و فرم و ارتباط منطقی میان آن‌ها نیز نشان می‌دهد. اکثر تولیدات سفالی دو مرکز به صورت کاربردی و در جهت تأمین نیاز مردم منطقه است. در هر دو روستا، بانوان و دختران سخت‌کوش و تلاشگر این دست‌سازهای اصیل سفالی را تولید می‌کنند.

استفاده از مواد اولیه بوم‌آورد در ساخت آثار و انطباق تولیدات با فرهنگ و اعتقادات مردم این دو روستا یکی از بومی‌ترین هنرهای این مناطق را رقم زده است و از این‌رو، بر کارکرد هویتی این تولیدات نیز می‌توان صحنه گذاشت.

از انواع هنر، در سفال و سفالگری با پیشینه‌ای کهن که ردّ اندیشه گذشتگان را در آن می‌توان یافت، اهمیت خاصی نهفته است. تحلیل و تطبیق سفال‌های دست‌ساز «روستای جبرده» و «روستای برجک» نشان می‌دهد میان تولیدکنندگان این مراکز ارتباط نزدیکی برقرار است. از این‌رو، در جهت پاسخ به پرسش مطرح‌شده که چه ارتباطی بین دست‌سازهای سفالی دو روستای «جبرده شفت» و «برجک خمین» وجود دارد، نگارندگان به این نتیجه رسیدند که ارتباط میان دست‌سازهای سفالی روستای جبرده و روستای برجک، حوزه ساخت، فرم و نقش‌اندازی را در برمی‌گیرد و اگرچه در بعضی موارد تمایزاتی را نیز شامل می‌شود، وجوه اشتراک متعدد منجر به ارتباط میان دست‌سازهای سفالی روستای جبرده و روستای برجک شده است (جدول ۹). به‌نوعی وجوه ارتباطی ذکرشده بی‌تأثیر از فرهنگ باورها، عقیده‌ها و طبیعت مشترک میان هنرمندان سفالگر این دو روستا نیست. پایبندی به‌طورکلی دست‌سازهای سفالی روستای برجک و روستای جبرده، شاخصه‌های مشترک و تکرارشونده دارند که در کنار یکدیگر شیوه‌ای مشخص و قابل‌ارائه برای سفالگری این دو روستا رقم‌زده است.

همچنین در جهت دستیابی به شاخصه‌های دست‌سازهای سفالی دو روستای «جبرده شفت» و «برجک خمین» می‌توان به این جمع‌بندی رسید که سفالینه‌های روستای برجک و روستای جبرده به دلیل تشابهات فراوان در مؤلفه‌های ساختاری (شیوه ساخت، فرم و نقش) دارای ارتباطات ساختاری و زمینه‌ای است که باوجود تمایزات در مؤلفه‌های ساختاری می‌توان به هویت مستقل سفال هر منطقه در کنار روابط اشاره نمود.

روستای جیرده ظروف از تقارن بیشتری برخوردارند، ولی در برجک محصولات سفالی تولیدشده از قرینه درستی برخوردار نیستند. در میان آثار سفالی جیرده ظروف موسوم به «گمّج و نوخون» از همه شاخص تر است و از سفال‌های معروف روستای برجک «دو گوله» را می‌توان نام برد که هر دو برای طبخ و پخت‌وپز استفاده می‌شوند.

تشکر و قدردانی

از اهالی روستای برجک و جناب آقای شرفی، عضو شورای اسلامی روستا، خانم حمزه‌لو و جناب آقای امید اکبرپور و کارگاه سفالگری لطیفی کمال تقدیر و تشکر را دارم.

نقش‌ها در سفالینه‌های جیرده ساده‌ترند، فقط از خود گل و به‌صورت انگشتی، کنگره‌ای و لعاب استفاده می‌کنند. در برجک علاوه بر روش فیتله‌ای روی برخی تولیدات، از نقش بز کوهی، دایره، خطوط موج‌دار و ماریچ و نقوش هندسی استفاده می‌شود. تصاویر بز روی سنگ‌های سخت جداً تحسین‌برانگیز است که به‌عنوان نمونه نماد بز کوهی استفاده‌شده در سنگ‌نگاره‌های تیمره خمین را می‌توان نام برد که به شیوه‌های متنوعی به تصویر کشیده شده و یکی از پرکاربردترین و بااهمیت‌ترین نقوش سفال است. در برجک، سفالینه‌ها فاقد لعاب‌اند. درحالی‌که در جیرده از لعاب برای تزئین تولیدات سفالی به‌خصوص در گمّج استفاده می‌شود، ولی غالباً سفالگران گیلانی از لعاب استفاده نمی‌کنند تا به کار خود اصالت بیشتری بدهند. در

پی‌نوشت‌ها

۱. تپه چغا سیف‌الدین مربوط به سده‌های اولیه دوران‌های تاریخی پس از اسلام است که این اثر در تاریخ ۲۰ اسفند ۱۳۸۵ با شماره ثبت ۱۸۰۴۱ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

References

- Davoudi Bazastani, Hajar. (2009). Examining the characteristics of today's pottery and ceramics in Gilan and Mazandaran Provinces. M.A. degree. Tehran. Art university. [in Persian]
- [داودی بزاستانی، هاجر. (۱۳۸۹). بررسی ویژگی‌های سفال و سرامیک امروز گیلان و مازندران. کارشناسی ارشد. تهران. دانشگاه هنر]
- Glock, J. (1976). A journey in Iran's handicrafts. Tehran: Melli Bank of Iran. [in Persian]
- [گلاک، جی. (۱۳۵۵). سیری در صنایع دستی ایران. تهران: بانک ملی ایران]
- Kambakhsh Fard, Seifollah. (2000). Pottery and pottery making in Iran from the beginning of the Neolithic to the modern era, Tehran: Ghoghnoos, 2000. [in Persian]
- [کامبخش فرد، سیف‌اله. (۱۳۷۹). سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر، تهران: ققنوس، ۱۳۷۹]
- Karimi, Fatemeh; Kiani, Mohammad Yousuf. (1986). Pottery art of the Islamic period of Iran. Tehran: Iran Archeology Center: 1st Edition. [in Persian]
- [کریمی، فاطمه؛ کیانی، محمدیوسف. (۱۳۶۴). هنر سفالگری دوره اسلامی ایران. تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران: چاپ اول]
- Mohammad Hassan, Zaki. (1941). History of Iranian industries after Islam, translator: Mohammad Ali Khalili, Tehran: Iqbal Printing House: 1st Edition. [in Persian]
- [محمدحسن، زکی. (۱۳۲۰). تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، مترجم: محمدعلی خلیلی، تهران: چاپخانه اقبال: چاپ اول]
- Mousavi, Seyed Hashem. (2005). Gamaj in the culture of Gilan people, Konduj (Gilan Rural Heritage Museum), Farhang Kia Publications: first year, 1st No. [in Persian]
- [موسوی، سیدهاشم. (۱۳۸۴). گمّج در فرهنگ مردم گیلان، کنوج (موزه میراث روستایی گیلان)، انتشارات فرهنگ کیا: سال اول، شماره اول]
- Partovi, Mehrnaz. (2016). Design and manufacture of clay dishes resistant to direct heat with the investigation of Gilan pottery. M.A. degree. Tabriz University of Islamic Arts. [in Persian]
- [پرتویی، مه‌ناز. (۱۳۹۵). طراحی و ساخت ظروف سفالی مقاوم در برابر حرارت مستقیم با بررسی گمّج‌های گیلان، کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اسلامی تبریز]
- Pope, Arthur Upham; Ackerman, Phyllis. (2008). A journey in Iranian art (from prehistoric times to today), vol. 4, translator: Najaf Daryabandi and others, 1st edition, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. [in Persian]
- [پوپ، آرتور اُپهام؛ اکرم، فیلیس. (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران (از دوران پیش‌ازتاریخ تا امروز)، جلد ۴، مترجم: نجف دریابندی و دیگران، چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی]
- Rahmati, Ashraf. (2011). Pottery and pottery making in the daily life of the people of Gilan. M.A. degree. Gilan. Art university. [in Persian]
- [رحمتی، اشرف. (۱۳۹۰). سفال و سفال‌گری در زندگی روزمره مردم گیلان. کارشناسی ارشد. گیلان. دانشگاه هنر]
- Rafiei, Leila. (1998). Iranian pottery, Tehran: Yasavoli Publications: 1st Edition. [in Persian]
- [رفیعی، لیلا. (۱۳۷۷). سفال ایران، تهران: انتشارات یساولی: چاپ اول]
- Rafiei Jirdehi, Ali; Rahmati, Ashraf. (2015). Pottery and pottery making in Gilan. Rasht: Gilan University Publications. [in Persian]
- [رفیعی جیرده‌ای، علی؛ رحمتی، اشرف. (۱۳۹۴). سفال و سفالگری در گیلان. رشت: انتشارات دانشگاه گیلان]
- Tawhidi, Faeq. (1999). The technique and art of pottery making. Organization of study and editing of humanities books of universities (SAMT). [in Persian]
- [توحیدی، فائق. (۱۳۷۸). فن و هنر سفالگری. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه (سمت)]
- TOhiDast, Fatemeh. (2008). Gilan handicrafts, Rasht. Farhang Ilia Publications. [in Persian]
- [تهی‌دست، فاطمه. (۱۳۸۷). صنایع دستی گیلان، رشت. انتشارات فرهنگ ایلیا]
- Wilson, Alen James. (2008). Pottery making in the Middle East from the beginning to the Ilkhani period in the Ashmolean Museum, Oxford, translator: Mahnaz Shayesteh Far, Tehran: Institute of Islamic Art Studies Publications: 1st Edition. [in Persian]
- [ویلسن، آلن جیمز. (۱۳۸۷). سفالگری در خاورمیانه از آغاز تا دوره ایلخانی در موزه آشمولین آکسفورد، مترجم: مهناز شایسته‌فر، تهران: انتشارات موسسه مطالعات هنر اسلامی: چاپ اول]